



### خلاصه جلسه قبل

بحث ما در مسئله اهدای جنین، منتهی شد به استدلال بر ممنوعیت آن به ملاک وجوب حفظ فرج، و اینکه مقتضای آیه «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» این است که تحفظ بر فرج از مناسبات آن واجب است و استیلا یکی از مناسبات فرج است. تنها مشکلی که در مقام وجود داشت روایت ابی بصیر بود که مقتضای آن این بود که آیه اختصاص دارد به تحفظ بر فرج از نظر و نگاه، نه تحفظ بر فرج از همه امور مناسب آن. مضمون این روایت در نقل های متعددی آمده است و حتی در برخی از روایات اهل سنت هم مضمون این روایت آمده است. این روایت در تفسیر قمی آمده است و ممکن است از این جهت، در سند روایت تشکیک شود (سند این روایت در متن تفسیر معتبر است) و اینکه در این بخشی که روایت در آن آمده است تشکیک شده که آیا مربوط به تفسیر علی بن ابراهیم قمی است یا نه؟ با چشم پوشی از این اشکال، ما در دلالت این روایت اشکال کردیم و گفتیم که از این روایت اختصاص آیه به تحفظ از فرج در خصوص نگاه و نظر بر نمی آید.

### مسئله دوم: قرار دادن نطفه تلقیح شده از تخمک زن و مرد اجنبی در رحم خود زن

دلیل اول بر منع از قرار دادن نطفه اجنبی در رحم زن اجنبیه آیه ۳۱ سوره مبارکه نور بود که اشکالاتی نسبت به آن مطرح می شود.

### اشکالات دلیل اول

نسبت به دلیل اول (بر مشروع نبودن قرار دادن اسپرم مرد اجنبی در رحم زن اجنبیه) اشکالاتی مطرح می شود که در جلسه قبل اشکال اول آن بیان شد. در این جلسه اشکالات دیگر را بیان می کنیم.

### اشکال دوم

اشکال دوم که در برخی از کلمات هم مطرح شده، این است که مفاد آیه، امر به تحفظ بر فرج است و گفته می شود ظاهر امر به تحفظ بر فرج این است که نگهداری و تحفظ از دیگران کند و الا اگر شخص بخواهد خودش از خودش تحفظ کند این مطلب مندرج در اطلاق تحفظ بر فرج نیست. تحفظ به معنای امتناع از دیگران است مثل تستر از دیگران، اما تحفظ و تحرز از فعل خود شخص، مندرج در اطلاق آیه نیست و فرض این است که در مورد استیلا، خود زن اقدام بر قرار دادن نطفه اهدایی در رحم می کند نه اینکه شخص دیگری او را الزام به این کار کند بلکه زن در موارد اهدای جنین به رضایت خود اقدام بر این کار می کند. کأنه تحفظ عبارت است از تحرز از الزام و قهر دیگری یا تحفظ از کار مربوط به دیگری، مثلاً به زن بگویند «کاری بکن که نگاه دیگران به تو نیافتد، تستر کن» اما اینکه زن خودش به خودش نگاه کند، مندرج در عنوان تحفظ نیست.

تحفظ به معنای این است که از دید دیگران و فعل دیگران تحرز کند نه اینکه از فعل خودش تحرز کند. لذا این آیه دلالت



بر وجوب تحرز از پذیرش جنین اهدایی نخواهد داشت؛ چون در حقیقت کار شخص دیگری نیست و کار خود اوست و تحرز داشتن شخص از کار خودش مندرج در اطلاق نمی باشد. اگر طبیب نطفه را در رحم زن قرار می دهد، در واقع کار خود این زن است اما بالتسبیب نه بالمباشره. در واقع طبیب خواسته خود این زن را انجام می دهد.

### جواب اشکال دوم

به نظر ما این مطلب صحیح نمی باشد که تحفظ حتما باید از فعل دیگران باشد نه از فعل خود شخص، اشکال دوم نه صغرویا صحیح است و نه کبرویا.  
اولاً:

در مانحن فیه هر چند این زن بالتسبیب می خواهد نطفه در رحم او قرار داده شود، اما مباشر این فعل شخص دیگری است. درست است که در موارد تسبیب، فعل منتسب به سبب است اما منقطع از مباشر نمی باشد به همین جهت در موارد قتل تسبیبی، فعل منتسب به سبب است علاوه بر اینکه منتسب به مباشر هم هست، و اینطور نیست که فعل، از مباشر منفی و مسلوب باشد.

اگر خود زن نطفه اجنبی را در رحم خودش قرار دهد، ممکن است این شبه مطرح شود که نسبت به این مورد شمول ندارد اما زن بالمباشره این کار نمی خواهد انجام دهد بلکه می خواهد بالتسبیب این کار را انجام دهد و پزشک، مباشر در این کار خواهد بود و تحفظ از فعل دیگری و انجام کار توسط غیر، مشمول آیه خواهد بود.

### عدم جواز قتل جنین برای پزشک در فرضی که حفظ حیات مادر متوقف بر قتل جنین است

اینکه این زن مسبب این کار است نهایت این است که این کار به زن هم منتسب است اما موجب سلب نسبت از مباشر نمی باشد. لذا ما در موارد مباشرت پزشک نسبت به قتل جنین (در جایی که حفظ حیات مادر منوط به قتل جنین است) گفتیم مشکل جدی وجود دارد اگر پزشک بخواهد جنین را سقط کند؛ چو قتل جنین از باب دفاع، بر مادر جایز است اما پزشک که مضطر به قتل جنین نمی باشد و این کار پزشک که دفاع از خود نیست؛ چون جنین به پزشک حمله نکرده است و ضرری برای او ندارد لذا قتل جنین برای پزشک جایز نخواهد بود.

بر همین اساس بود که مرحوم آقای تبریزی معتقد بود که پزشک حق ندارد برای حفظ حیات مادر، جنین را معدم کند. بله پزشک به مادر پیشنهاد می کند که اگر این دارو را بخوری جنین می میرد و بعد از آنکه بواسطه فعل خود مادر، جنین مُرد، پزشک مباشر در اخراج جنین از رحم مادر خواهد بود.

مادر مضطر به سقط جنین است و از پزشک یک کار حرامی را درخواست می کند؛ چون فقط خود مادر مجاز به از بین بردن جنین است اما این کار برای پزشک قتل نفس محسوب می شود؛ چون برای پزشک، مادر و جنین با هم فرقی ندارد. اینکه مادر یک انسبب بزرگ است و جنین خیلی کوچک است و در رحم است، آیا این از وجوه اهمیت است؟! اگر بنا باشد ما باشیم و قواعد تزاحم، و این پزشک مضطر به حفظ نفس یکی از ایندو باشد مخیر است بین اینکه مادر از بین برود و جنین حفظ



شود و یا بر عکس (اگر نوبت به تزاحم برسد).

یکی از تکالیف پزشک، حفظ نفس محترمه است، کسانی که بتوانند نفس محترمه ای را حفظ کنند، حفظ نفس دیگران واجب و بر آنها تکلیف خواهد بود.

غرض این است که صرف اینکه این فعل بر مادر مجاز است و بالتبع تسبیب مادر به انجام این کار اشکالی ندارد، باعث نمی شود این فعل بر مباشر هم جایز باشد و مجاز در انجام این کار باشد. فعل علاوه بر اینکه به سبب منتسب است به مباشر هم منتسب است. بله پزشک از باب تزاحم یا وجوب اجابت مضطر، شاید این کار برای او مجاز باشد اما اینها حساب جدایی دارند. بحث این است که به صرف اینکه مادر برای دفاع از خود مجاز در این کار است باعث نمی شود پزشک مجاز در آن باشد هرچند شاید تحت یک عنوان دیگری برای پزشک جایز باشد.

مانحن فیه هم از این قبیل است بر فرض که جعل نطفه اجنبی در رحم خود، برای این زن جایز باشد اما این سبب نمی شود که این کار برای پزشک هم جایز باشد و لازم نباشد این زن از کار پزشک جلوگیری کند؛ چون فعل پزشک به خود پزشک هم منتسب است و اطلاق تحفظ بر فرج، شامل فعل پزشک هم می شود و بر این زن، تحفظ از پزشک واجب است و در نتیجه این کار نباید توسط پزشک انجام شود.

و ثانیاً:

خود زن هم جایز نیست آن کار را انجام دهد؛ چراکه اینطور نیست که تحفظ مربوط به تحرز و تحفظ از فعل دیگری باشد، مثلاً اگر گفته شود «حفظ لسان واجب است» به این معناست که خود ما دروغ نگوییم و غیبت نکنیم نه اینکه حفظ لسان کنیم از اینکه دیگری با زبان ما کاری انجام دهد. اگر گفته شده تحفظ بر فرج لازم است به چه دلیل معنای آن فقط تحفظ و تحرز از فعل دیگران است؟! خود شخص هم باید تحفظ کند از امور مناسب با فرج. اگر گفته شده که بر مالت تحفظ کن، به این معناست که خود شخص هم تحفظ کند و مالش را تلف نکند و دور نریزد، تحفظ بر مال فقط به معنای تحفظ بر مال از دیگران نیست بلکه شامل تحفظ بر مال نسبت به خود شخص هم می شود یعنی مالت را در معرض تلف دیگران قرار نده و خودت هم مالت را تلف نکن.

### وجوب پوشش در نماز

معنای «تستر» به این صورت است که مناسبات حکم و موضوع تعیین کننده است و شامل تستر خود شخص نمی شود بلکه به معنای تستر از دیگران است. اما ستری که در صلات معتبر است «تَصَلِّي فِي دِرْعٍ وَ خِمَارٍ»<sup>۱</sup> این است که زن خود را بپوشاند و نبود دیگری باعث نمی شود که ستر واجب نباشد. در صلات، تستر شرط نیست تا گفته شود در جایی که شخص نامحرم نیست پوشاندن واجب نباشد بلکه آنچه که شرط است پوشش (درع و خمار) است نه تستر. لذا فقها می گویند لباس مصلی، نمی گویند تستر مصلی. کما اینکه بر مرد پوشش در حال نماز واجب است نه ستر از نظر دیگری تا گفته شود اگر کسی نباشد جایز است مرد عریان نماز بخواند.

۱. وسائل الشیعة؛ ج ۴؛ ص ۴۰۷.



لذا اطلاق تحفظ، اختصاصی به تحفظ از دیگران ندارد و تحفظ از خودش را هم در بر می گیرد. بنابراین اشکال دوم قدحی به دلالت آیه بر عدم جواز پذیرش جنین اهدایی وارد نمی کند.

### اشکال سوم

این اشکال در برخی از کلمات آمده است و آن این است که تمسک به آیه بر عدم جواز پذیرش جنین اهدایی، از قبیل تمسک به عام در شبهه مصداقیه دلیل است؛ چراکه مفاد آیه تحفظ بر فرج است و حفظ کردن مستبطن این است که نگهداری از آنچه که جایز نیست و الا اگر یک کار مجازی باشد، تحفظ از آن واجب نیست. تحفظ یعنی تحرز و نگهداری از «ما لا ینبغی وما لا یجوز»، مثلاً نظر شخص دیگر به عورت انسان جایز نیست لذا تحفظ از نظر دیگران واجب است، یا اینکه مثلاً نگاه مرد به نامحرم ولو به غیر عورت جایز نیست لذا تحفظ از نگاه نامحرم واجب است. اما مسئله باردار شدن به جنین اهدایی آیا حرام است تا گفته شود باید از آن تحفظ شود؟ حرام بودن این کار اول کلام است. چون ممنوعیت پذیرش جنین اهدایی معلوم نیست لذا تمسک به آیه در اینجا از قبیل تمسک به عام در شبهه مصداقیه است.

### جواب اشکال سوم

حق این است که اشکال سوم هم به دلالت آیه وارد نیست. اینکه امر کردن زن به تحفظ بر فرج منوط باشد به ممنوعیت آن شیئی که شخص مأمور به تحفظ از آن شیء است، یک ادعای خلاف وجدان لغوی است. تحفظ، به معنای نگهداری است، منتهی در یک مورد نگهداری واجب نیست و در یک مورد واجب است، اینطور نیست که نسبت به آن اموری که نگهداری و تحرز از آنها واجب نباشد، تحفظ صدق نکند مثلاً یک زن خودش را در معرض دید محارم قرار دهد، آیا معنای آن این است که در اینجا تحفظ صدق نمی کند؟ یعنی این زن در این مورد خودش را بیوشاند تحفظ نیست؟! یا اینکه تحفظ هست اما واجب نیست؟ به این زن می گویند تحفظ از دید محارم لازم نیست نه اینکه چون این کار مجاز است، تحفظ نیست. و اینطور نیست که تحفظ مستبطن این باشد که آن کار، یک کار مجاز نباشد.

آنچه که تعیین کننده عنوان تحفظ است فقط مناسبات است مجاز بودن یا مجاز نبودن آن کار، در عنوان تحفظ مداخلیتی ندارد. آنچه که مداخلیت دارد تناسب آن شیء است و لذا گفتیم که اگر بگویند «تحفظ بر فرج بکن» معنای آن این نیست که مثلاً به خودش آب زند و از آب زند به خودش تحفظ کند؛ چون آب زند به خودش از مناسبات فرج نیست. اگر گفته می شود «تحفظ بر فرج بکن» یعنی از مناسبات آن تحفظ کن، مانند امور جنسی و استیلا و به مقتضای روایت گفتیم که نظر هم از مناسبات فرج است. پس آنچه که واجب است عبارت است از: تحفظ از نظر دیگران، تحفظ از امور جنسی توسط دیگران، تحفظ از امور جنسی توسط خود شخص و استیلا.

ولذا گفتیم که مقتضای آن روایت این است که استمناء هم که فعل خود شخص است جایز نیست و برای حرمت استمناء، به آیه «فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ» استناد شده بود.

مراد از غَضّ نظر، غَضّ نظر به دیگران است و مراد این نیست که انسان به اعضای بدن خودش هم نگاه نکند چون نگاه شخص به خودش از جمله مناسبات نیست تا اطلاق آیه شامل این مورد هم بشود.



لذا این اشکال هم صالح برای تشکیک دلالت آیه بر ممنوعیت پذیرش جنین اهدایی نخواهد بود؛ چون معنای تحفظ، تحفظ از «ما لایجوز» نیست بلکه معنای تحفظ، تحفظ از «ما یناسب» است لذا شبهه مصداقیه نخواهد بود. تحفظ از «ما یناسب» تعیین کننده اموری است که تحفظ از آنها واجب است. و استیلاد هم مانند امور جنسی از امور مناسب با فرج می باشد ولو از باب اینکه محل ورود به رحم است لذا تحفظ از آن لازم است. وقتی گفته می شود «تحفظ بر فرج کنید» شامل این می شود که فرج را به عنوان مدخل ماء به رحم قرار ندهید اگر فرج بخواهد مدخل قرار گیرد، در اینصورت مناسبت دارد.

### عدم نهی شارع از اموری که به صورت طبیعی ترک می شوند

ممکن است شارع برای اینکه این قضیه اتفاق نیافتد می بیند که داخل کردن نطفه به رحم از غیر راه فرج، کلفت زیاد دارد و مردم از آن طریق اقدام نمی کنند، شارع برای ممنوعیت این کار به همین مقدار می تواند از مفسده جنین اهدایی جلوگیری کند؛ چون آنچه که معمولا برای مردم میسر است این مسیر است و اما اینکه بخواهند بشکافند و از طریق دیگری وارد رحم شود به این سهولت نیست و تکلفاتی دارد که معمولا مردم به راحتی اقدام به این کار نمی کنند. همین مقدار کافی است برای اینکه شارع تکلیفش را محدود به این مورد قرار دهد یعنی می بیند مردم آن را به صورت طبیعی انجام نمی دهند، آنچه را که به صورت طبیعی و عادی انجام می دهند شارع جلوی آن را می گیرد، جلوی دیگری را نمی گیرد چون به صورت طبیعی ترک می شود. وقتی شارع جعل تکلیف می کند به داعی این است که دیگران را از انجام کاری منع کند. مثلا شارع از شرب خمر منع می کند چون این کار برای اشخاص میسر است اما یک سُکری که با یک مقدمات سختی شکل می گیرد ممکن است شارع از آن منع نکند چون می بیند که به صورت طبیعی اتفاق نمی افتد. داعی ندارد که شارع خودش را خرج کند در اموری که بدون خرج کردن شارع هم هدفش تأمین می شود.

اگر شارع در جایی نهی می کند به جهت این است که آن کار اتفاق نیافتد وقتی شارع می بیند آن کار به صورت طبیعی اتفاق نمی افتد لازم نیست شارع از آن نهی کند. مثلا لازم نیست که شارع بگوید خمری که در کره ماه است نخورید چون انجام این کار خیلی هزینه دارد مثلا باید چندین میلیارد هزینه شود تا شخص به کره ماه برود و کسی این کار را انجام نمی دهد لذا شارع داعی برای نهی از این کار ندارد.

### نظر و نگاه کردن از طریق آینه

معنای تحفظ بر فرج این نیست که تحفظ از نگاه مستقیم شود بلکه شامل دید در آینه هم می شود و آن هم یکی از مصادیق تحفظ از دید دیگران است. اگر عنوان ممنوع، نظر بود، شما می گویند نگاه کردن در آینه، نظر به خود شخص نیست و نیاز به الغاء خصوصیت دارد اما اگر به زن گفتند که «تستر کن»، معنای آن فقط تستر از دید مباشر نیست بلکه اگر زن از آینه هم خود را نبوشاند، تستر نکرده است.

در بحث نظر و نگاه، فقها یک چیزی را مطرح کرده اند و آن اینکه اگر گفتند نظر به نامحرم جایز نیست، شامل نظر در آینه نمی شود، این یک بحث است ولی اگر به زن بگویند تحفظ کن و خودت را بپوشان، «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِرِجَالِكَ وَبَنَاتِكَ وَ



نِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ<sup>۱</sup> آیا فقط شامل دید مستقیم می شود و شامل دید آینه نمی شود؟ بله اگر گفته شود «نگاه نکن» ممکن است گفته شود وقتی شخص به آینه نگاه می کند به آن زن نگاه نکرده است بلکه به عکس آن زن نگاه کرده است، اگر بخواهد نگاه به زن نامحرم در آینه حرام باشد، باید الغاء خصوصیت شود. در مواردی که شک می شود، مورد مشکوک، مشمول آیه نیست، یعنی شبهه مفهومی می شود و تمسک به اطلاق جایز نخواهد بود.

خود تحرز از استیلا مصداق تحفظ بر فرج است اینگونه نیست که تحفظ بر فرج، یعنی فقط این نما و این ظاهر، تا گفته شود فقط تحفظ از دید کند، بلکه مراد این است که تحفظ از آنچه که از شئون فرج است و استیلا از شئون فرج است. یعنی زن باید از بارداری به اینصورت تحفظ کند و بارداری به اینصورت از مناسبات فرج است. به زن گفته شده بر فرج خودت تحفظ کن از هر آنچه مناسبت با این فرج دارد و همانطوری که امور جنسی، مناسب با فرج است عرفاً استیلا هم از امور مناسب با فرج است و تحفظ فرج از آن لازم است. یعنی بارداری این زن هم حرام است و لذا نص خاص هم دارد که مردی که این عمل نامشروع را انجام می دهد غیر از عدم مشروعیت زنا، افراغ ماء در رحم زن اجنبی یک حرام دیگر است یعنی انزال در رحم، گناه دیگری غیر از زنا است و این مطلب نص خاص<sup>۲</sup> دارد.

### عدم جواز سقط جنین منعقد از زنا

اگر عصیان شد و تحفظ بر فرج از استیلا نشد و نطفه منعقد شد حفظ این جنین واجب است و اسقاط آن جایز نیست. اطلاق ادله حرمت سقط جنین شامل جنین منعقد از زنا هم می شود و لذا فقها در اسقاط جنین منعقد از زنا اشکال دارند و فقط یک مورد را استثنا کرده اند و آن قبل از ولوج روح است که اگر جنین سقط نشود مفسد زیادی دارد و بر این زن حرج عظیمی دارد مثلاً عشیره این زن او را می کشند. سقط جنین در این مورد به جهت حرج و اضطرار جایز است البته قبل از ولوج روح، اما بعد ولوج روح اسقاط جنین جایز نیست هر چند منعقد از زنا باشد.

### شبهه در تمسک به اطلاقات در فرض وضع الفاظ برای اعم

نسبت به این شبهه، به ذهن ما آمد که نظیر چیزی است که در باب الفاظ عبادات برخی مطرح کرده اند در آنجا گفته اند که حتی اگر قائل شویم که الفاظ وضع برای اعم از صحیح شده است اما مطلوب به اوامر، عبادات صحیحه است پس در موارد شک در صحت نمی توان به اطلاقات ادله عبادات تمسک کرد، یعنی تمسک به عام در شبهه مصداقیه است این شبهه در کلمات شیخ و دیگران هم مطرح است.

مثلاً شک می شود سوره جزء نماز هست یا نه؟ به اطلاق دلیل صلات نمی توان تمسک کرد حتی نمی توان به اطلاقات مقامی تمسک کرد و گفته شود سوره در نماز معتبر نیست (یا شک در اموری که احتمال دارد جزء یا شرط باشند) چون هرچند در ضمن این اطلاق، تقیید به آن امر مشکوک ذکر نشده است اما این اطلاق دعوت به عمل صحیح می کند «اقیموا

<sup>۱</sup> احزاب: ۵۹.

<sup>۲</sup> ۹.



الصلاة» به معنای «اقیموا الصلاة الصحيحة» است. آقایان می گویند بنابراین که این الفاظ وضع برای اعم از صحیح شده اند می توان به اطلاق تمسک کرد برای نفی جزئیت و شرطیت مشکوک، اشکال شده که هر چند ما قائل به وضع برای اعم باشیم، وضع برای اعم است اما ما امر به اعم که نشده ایم بلکه امر شده ایم به صلات صحیح، لذا در فرضی که نمی دانم سوره جزء نماز هست یا نه، نمی دانم نماز با سوره صحیح است یا نه، لذا اگر برای صحت صلات بدون سوره به اطلاق تمسک شود، تمسک به عام در شبهه مصداقیه خواهد بود.

این اشکال در آنجا مطرح شده است و به آن جواب داده اند از جمله خود مرحوم شیخ، هر چند امر به صلات صحیح شده ایم، اما به عنوان صحیح که امر نشده ایم، ما به عنوان صلات امر شده ایم و با اطلاق صلات که نفی خصوصیت مشکوک می کند آن صلات مطلوبه صحیح هم تعین پیدا می کند. ولذا اطلاق امر به صلات می گوید سوره جزء صلات نیست و این امر تعیین کننده صلات مطلوبه صحیح است.

مانحن فیه هم از این قبیل است. در این جا امر به تحفظ فرج شده است و امر به تحفظ فرج از محرمات که نشده است بلکه امر به تحفظ فرج از مناسبات شده است زمانی که مناسبات تعیین کننده است خودش حرام را تعیین می کند و عدم تحفظ از هر امر مناسب فرج جایز نیست.

### اشکال چهارم

تحفظ مستبطن نگهداری از امر مضرّ است ولذا حفظ نفس، از خطرهای و ضررها می باشد و الا حفظ نفس از تر شدن که مراد نمی باشد. اینکه قضیه جنین اهدایی از مضرات و از اموری باشد که تحفظ بر آن واجب باشد، این هم شبهه مصداقیه خواهد بود.

### جواب اشکال چهارم

جواب از این اشکال هم نظیر جواب از اشکال قبل است لذا نیازی به تکرار ندارد.

#### نتیجه

نتیجه این می شود که آیه «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» به حسب اطلاق آن، قصوری ندارد در دلالت بر منع از پذیرش جنین های اهدایی (جایی که جنین مربوط به خود زوجین نیست). بعد از این، کلام واقع می شود در استدلال به برخی از روایات بر عدم مشروعیت، که عمدتاً سه روایت است ما در مبسوط ۸ یا ۹ وجه بر ممنوعیت پذیرش جنین اهدایی را مطرح کردیم که نیاز به ذکر برخی از آن وجوه نیست چون جواب به آنها داده شده است.

والحمد لله رب العالمین